

پیامدهای سیاسی سوانح طبیعی در ایران:

آینده‌پژوهی پیامدهای سیاسی زلزله احتمالی تهران

حمید محلاتی راینی^۱

دکتر ابوالفضل دلاوری^۲

دکتر رضاعلی محسنی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۴/۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۵/۶

DOI: 10.30495/jss.2020.1905134.1222

چکیده

کشور ایران طی چند دهه اخیر، زلزله‌های ویرانگری را تجربه کرده است که هرکدام خسارات چشمگیر و عواقب سیاسی-اجتماعی متفاوتی در پی داشته‌اند. آن چه نگرانی همگانی به ویژه سیاست‌گذاران و مدیران کشور را برانگیخته است، احتمال وقوع یک زلزله شدید در تهران است که با توجه به موقعیت این شهر، اهمیت و ضرورت پرداختن به آن را آشکار می‌سازد. بسیاری از محققان، سیاست‌گذاران و سازمان‌های امدادی بر این باورند که بلایای طبیعی، اتحاد بین گروه‌ها را تقویت و تعارضات را تعدیل می‌کند، اما از آن جایی که پس از وقوع سوانح مردم با کمبود منابع اساسی مواجه می‌شوند، می‌توان بلایای طبیعی را محرک تعارض و درگیری‌های درون کشوری نیز به شمار آورد.

در این پژوهش از روش آینده‌پژوهی و به صورت ترکیبی از تکنیک دلفی و سناریونویسی، به همراه پرسشنامه و ماتریس اثرهای متقاطع استفاده شده است. جهت تعیین مؤلفه‌های بحران‌های سیاسی پس از زلزله تهران، از مطالعه پیامدهای سیاسی سوانح گذشته و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده و برای آینده پژوهی، به خبرگان و متخصصان دستگاه‌های حوزه مدیریت بحران مراجعه شده است. شناسایی عوامل کلیدی و میزان تاثیر و عدم قطعیت شاخص‌های شناسایی شده پیامدهای سیاسی زلزله از طریق پرسشنامه با تشکیل پانل خبرگان مشخص گردید. این پرسشنامه که بر اساس مدل مفهومی و چارچوب نظری استخراج و طراحی شده بود عوامل تاثیرگذار را به ۳۲ عامل تقسیم نمود که پس از جمع‌آوری نظرات کارشناسان در دو بار به اجماع رسید. نتایج بررسی این تحقیق براساس پیشران‌هایی که از بیشترین میزان اهمیت و عدم قطعیت برخوردار بودند به نظر خبرگان گذاشته شد و به عنوان پیشران‌های کلیدی دو پیشران به عنوان بیشترین اهمیت و عدم قطعیت از بین پیشران‌ها انتخاب شدند و بر اساس این دو پیشران به طراحی چهار سناریو برای آینده سیاسی زلزله تهران اقدام شد. پس از آن، سناریوی مطلوب که سناریوی مورد نظر این پژوهش است و سناریوی محتمل که براساس داده‌ها و واقعیت‌های موجود بود، نوشته شد.

واژگان کلیدی: پیامدهای سیاسی، زلزله تهران، بحران‌های سیاسی، نهادهای مدنی، نخبگان سیاسی.

۱. دانشجوی مقطع دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران.

E- mail: hmahlati220@yahoo.com

۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران- ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: abdelavari@gmail.com

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران.

مقدمه

در طول حیات بشر، روزهایی تلخ با نام حوادث و فاجعه‌های طبیعی مانند زلزله، سیل و طوفان و برخی حوادث دست ساخته بشر، نظیر جنگ‌های مصیبت‌بار و خونین، به ثبت رسیده است. سابقه رویکردهای علمی به فاجعه، به دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ باز می‌گردد (رافائل، ۱۳۷۲). علوم اجتماعی بر خلاف علوم طبیعی کمتر به دنبال تحلیل حوادث طبیعی هستند؛ بلکه بیشتر به بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی آن‌ها می‌پردازد. علوم اجتماعی در بررسی بسیاری از حوادث طبیعی نظیر زلزله، سیل و طوفان، بیشتر کارکردگرا و پیامدنگرند؛ یعنی اثرات و پیامدهای چندگانه این عوامل را بر ساخت‌های اجتماعی بررسی می‌کنند. در جهان متحول کنونی، فجایع طبیعی برحسب عمق و وسعت آن‌ها و نیز سطح مقاومت و آمادگی عینی و ذهنی جوامع و انسان‌ها و اقدامات پیشگیرانه در این زمینه با پیامدهای بسیار متفاوت همراه است. علی‌رغم کاهش دامنه و عمق خسارات ناشی از زلزله، فراوانی و شدت پیامدهای آن به ویژه آثار اجتماعی و سیاسی آن از گذشته به مراتب بیشتر شده است. اساساً آن چه باعث می‌شود لفظ فاجعه را برای یک حادثه به کار ببریم پیامدهای زیانبار آن است. از معمول‌ترین عوارض یک حادثه به خسارات انسانی فاجعه اشاره می‌شود. علاوه بر آثار انسانی و مادی سوانح، جامعه حادثه دیده دچار آثار و پیامدهای اجتماعی می‌شود. در اثر فاجعه، ساختار اجتماعی جامعه دچار آشفتگی می‌شود و یک نوع آنومی در جامعه حاکم می‌گردد. در چنین وضعیتی تسلط قوانین اجتماعی تضعیف، و جامعه آستن تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌شود به گونه‌ای که سوانح به دلیل شکستن هنجارهای اجتماعی و ایجاد فضای نابسامان، هنجارهای جدیدی می‌آفریند. بنابراین وقوع سانحه، فرصت مناسبی برای آشکار شدن ضعف‌های سیستم سیاسی پدید می‌آورد یعنی ساختار شهری نامناسب و ضعیف، نظام سیاسی را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد (هریسون و همکاران، ۱۳۸۷). وسعت و گستردگی کلانشهرها و همچنین عدم استانداردهای لازم در زمینه ساخت و سازهای طراحی شهری، وضعیت بحرانی استثنایی را در شرایط پس از سوانح به ویژه زلزله پدید می‌آورد. این شرایط وخیم که فرصت هر گونه عملکرد مدیریتی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی ساقط می‌کند، فضای متشنجی را برای بروز جنگ‌های داخلی بین گروه‌های سیاسی و حتی در سطح خرد، بین افراد و گروه‌های معارض اجتماعی به وجود می‌آورد؛ بنابراین بحران امنیت در شرایط پس از زلزله از عمیق‌ترین بحران‌هایی است که می‌تواند نظام سیاسی را تا آستانه فروپاشی پیش ببرد. در چنین شرایطی ممکن است ناهنجاری‌های اجتماعی مثل سرقت، قتل، آدم ربایی و سوء استفاده از اموال دولتی رخ دهد (عنبری، ۱۳۷۸)، همچنین باعث کنش‌های متفاوت رفتاری مردم شود که این کنش‌های متفاوت در هر حال می‌تواند نظام سیاسی را آسیب‌پذیر سازد. برای مثال زلزله سال ۱۹۵۲ توکیو علاوه بر هزینه‌های اقتصادی گزافی که متحمل دولت کرد، عملاً نظام سیاسی ژاپن را تا آستانه فروپاشی پیش برد (افضلی، ۱۳۸۵). چنان چه در ایران نیز زلزله بم پیامدهای سیاسی گسترده‌ای داشت. غیر از تحمیل هزینه‌های گزاف اقتصادی، ناامنی‌های ایجاد شده در شهر و فرار مجرمان از زندان‌ها از آن جمله بود.

تهران از کلانشهرهای کشور است که در معرض زلزله شدید قرار دارد. زمانی این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم در صورت بروز خطر، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند تمرکز شدید ساختمانی، کمبود فضاهای باز، جمعیت زیاد، عدم رعایت سرانه‌ها و ... با پیامدهای اجتماعی و سیاسی فراوانی مواجه است. طی پنج دهه گذشته چندین زلزله در کشور به وقوع پیوسته که تقریباً تمامی آن‌ها به بروز اختلال‌هایی در کارکردهای سیستم‌های سیاسی انجامیده است. بر اثر فضای هرج و مرج گونه‌ای ایجاد شده، عرصه مناسبی برای اعتراض و آشوب و شورش ایجاد می‌شود که ممکن است مشروعیت نظام را به چالش بکشاند. حوادث گذشته در کشور حکایت از آن دارد که زلزله می‌تواند به عنوان یک عامل سیاسی بحران‌زا باشد و جامعه را با بی‌نظمی و آشوب همراه نماید. زلزله بویین زهرا (۱۳۴۱) و طبس (۱۳۵۷) نمونه‌ای از این مورد هستند. در این میان مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته کمتر متوجه شناخت ابعاد اجتماعی-سیاسی حوادث بوده است.

این مطالعه به بررسی آسیب‌پذیری سیاسی با هدف تعیین پیامدهای سیاسی ناشی از سانحه طبیعی زلزله در کلانشهر تهران پرداخته است و با رویکرد آینده‌نگری اجماع هم‌اندیشی خبرگان (روش دلفی) در پی پاسخ گفتن به سؤالات زیر است:

۱. رویدادهای طبیعی نظیر زلزله تحت چه شرایطی و چگونه ممکن است بر نظم و نظام سیاسی تأثیر بگذارند؟
۲. تاب‌آوری نظام‌های سیاسی در مواجهه با چنین رویدادهایی به چه عواملی بستگی دارد؟
۳. الگوهای تأثیرگذاری رویدادهای طبیعی بر اوضاع سیاسی ایران در گذشته چگونه بوده است؟
۴. وقوع یک فاجعه طبیعی (زلزله) در تهران احتمالاً چه آثار و پیامدهای سیاسی به دنبال خواهد داشت و چه بحران‌هایی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به وجود خواهد آورد؟

سوانح طبیعی علل بحران‌های سیاسی

عوامل بحران‌های سیاسی را به دو دسته عوامل طبیعی و انسانی تقسیم کرد. بحران‌های سیاسی که در اثر بروز سوانح طبیعی حادث می‌شوند، می‌توانند به طور بالقوه نظام‌های سیاسی را با بحران و آسیب مواجه سازد. بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی از سه جهت با بحران‌های سیاسی ناشی از عوامل انسانی متفاوتند: اول این که بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح به دلیل آن که فاقد پیش‌بینی هستند قابلیت تخریبی بیشتری دارند؛ یعنی ناگهانی بودن سانحه، به خسارات، زیان و تخریب زیادی می‌انجامد. بحران‌های سیاسی به دلیل آن که کمتر ناگهانی و غیرمنتظره هستند، خسارات کمتری را به بار می‌آورند. بروز سوانح طبیعی مانند زلزله به صورت شبکه‌ای مجموعه‌ای از خرده بحران‌ها را بر نظام سیاسی می‌کنند. در حالی که در بحران‌های سیاسی ناشی از عوامل انسانی حوادث به صورت شبکه‌ای رخ نمی‌دهد و در بدترین شکل، در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی مدت رخ می‌دهند. از این رو میزان

غافلگیری نسبت به عوامل طبیعی پایین‌تر است و نخبگان می‌توانند با فراغت بیشتری به کنترل بحران بپردازند. تفاوت بعدی بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی یا انسانی در شکل مدیریت آن‌هاست. به دلیل آن که پس از وقوع زلزله بحران‌های سیاسی چندگانه متوجه نظام سیاسی می‌شود، مدیریت بحران‌های شبکه‌ای عملاً مشکل و غیرممکن می‌گردد؛ زیرا بر اثر وقوع زلزله بحران‌های چندگانه سیاسی دامن‌گیر نظام سیاسی می‌شوند، لذا مدیریت عملی این دسته از بحران‌ها مستلزم ارائه راهکارهای مدیریتی متمایز است و ناشی از تجارب خاص غیر سیاسی می‌باشد. مدیریت بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی مستلزم شناخت شاخص‌های مطالعاتی سوانح طبیعی و رعایت نظام مدیریتی غیرسیاسی است.

رخداد زلزله و بحران‌های سیاسی پیامد آن مبتنی بر تلفیق دو نظریه هرمان و پای ناکارآمدی در مدیریت رخداد و بحران در مشروعیت

به طور کلی حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی بنیادی‌ترین پایه نظام سیاسی است و از همین رو غالباً بحران اقتدار و مشروعیت را که ناشی از ناکارآمدی این حوزه است، اساسی‌ترین بحران نظام سیاسی دانسته‌اند. در صورت وقوع زلزله، اخلال در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی شدیدترین بحران سیاسی را متحمل نظام سیاسی خواهد کرد. این بحران احتمالاً در دو عرصه داخلی شامل شاخص‌های مرگ و میر نخبگان سیاسی، تخریب مراکز و نهادهای مهم سیاسی و مهیا شدن فضای مناسب برای بروز نارضایتی‌های گسترده مردمی، و خارجی شامل شاخص‌های تهدیدات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به تهاجم نظامی و حضور سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی در امر کمک رسانی ظهور خواهد کرد. بر اساس متغیرهای کنترل خاص میزان تهدید ایجاد شده در هریک از حوزه‌های آسیب‌پذیر داخلی و خارجی از این جهت که بنیادی‌ترین پایه‌های نظام سیاسی را به مخاطره می‌افکند، شدید است، شدت بحران متغیر دوم یعنی درجه آگاهی از زوایای بحران را نیز تحت تأثیر قرار داده و از همین رو می‌توان گفت میزان آگاهی از آثار و نتایج احتمالی آسیب‌پذیری محدود و ظهور بحران معمولاً جنبه غافلگیرکننده دارد؛ مثلاً نمی‌توان در مورد میزان تبدیل نارضایتی‌های نسبی پس از زلزله به شورش و انقلاب و یا چگونگی واکنش نیروهای خارجی به تحولات سیاسی پس از زلزله نظر قطعی داد.

سومین متغیر کنترل خاص بحران سیاسی شدید یعنی زمان تصمیم‌گیری کوتاه نیز از شاخص‌های این بحران است. غافلگیری ناشی از بروز این بحران بر نحوه تصمیم‌گیری و مدیریت آن تأثیر می‌گذارد. حاکمان سیاسی معمولاً زمان اندکی برای تصمیم‌گیری دارند زیرا با گذر زمان، ممکن است بحران‌های سیاسی دیگری نیز دامن‌گیر نظام سیاسی شوند. علاوه بر این عدم تصمیم‌گیری به موقع، فرایند تضعیف و یا فروپاشی نظام سیاسی را از طریق شورش و یا انقلاب تسریع خواهد کرد. با وجود این بحران اقتدار و مشروعیت با ویژگی‌های خاص شدت بحران، غافلگیری و زمان محدود تصمیم‌گیری، یک بحران سیاسی شدید است که متوجه نظام سیاسی می‌شود.

پیشینه تجربی

در ایران قدیمی‌ترین منابع در حوزه جامعه‌شناسی سوانح به مطالعه شادی‌طلب (۱۳۷۲)، درباره حادثه زلزله رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ با نام جامعه‌شناسی فاجعه می‌توان اشاره کرد. ایشان با نگاهی جامعه-شناختی فاجعه را به سان یک واقعیت اجتماعی در نظر می‌گیرد و موفقیت عملکرد سازمان‌های امدادی را وابسته به عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌داند. افضلی (۱۳۸۷)، در مقاله خود تحت عنوان «آسیب‌شناسی و مدیریت آسیب‌های سیاسی زلزله احتمالی تهران»، پیامدهایی را که در اثر بلایای ایجاد شده در کارکردهای نظام شهری، سیستم سیاسی را مورد تهدید قرار می‌دهند و بعد از وقوع یک زلزله در آن، ممکن است از بعد کارکردهای نظم شهری، نظام سیاسی را به شدت تحت تأثیر قرار دهند و بحران‌های متعددی دامن‌گیر نظام سیاسی شود مورد بحث قرار داده است. در پژوهشی دیگر به بررسی و شناسایی متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی پرداخته شده و مهم‌ترین آن‌ها را در قالب سه دسته متغیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده است. در عامل سیاسی، وقوع انقلاب، کودتا، جنگ داخلی، کاهش مشروعیت رژیم؛ در عامل اجتماعی- فرهنگی، بروز آشوب‌های شهری، نابرابری اجتماعی، فساد اداری- مدیریتی، کمبود آزادی‌های مدنی و سرانجام در عامل اقتصادی نرخ بالای بیکاری، فساد مالی، در نظام سیاسی- اداری، افزایش فقر و محرومیت و تبعیض اقتصادی مهم-ترین متغیرها بوده‌اند.

اثر پیتر سوروکین با نام انسان و جامعه در مصیبت^۱ اولین گام در زمینه نظریه‌سازی در جامعه‌شناسی مصائب جمعی به شمار می‌رود. او معتقد است که ما در عصر مصائب و بدبختی زندگی می‌کنیم. از این رو جامعه‌شناسی نمی‌تواند نسبت به چنین موضوعات مهمی بی‌تفاوت باشد. به نظر او مصیبت بر فرآیندهای روانی و ذهنی، رفتار، سازمان اجتماعی و زندگی فرهنگی جمعیت درگیر با مصیبت اثری پایدار می‌گذارد (عنبری، ۱۳۸۷: ۱۳۱). کریستین فیر^۲ در مقاله‌ای با نام «چگونگی تأثیر بحران‌های طبیعی بر نگرش و رفتار سیاسی» می‌نویسد: بین آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی و رفتار حکومت‌ها همبستگی مثبتی دیده می‌شود. آثار منفی اقتصادی به وجود آمده از آسیب‌های حوادث بر اصلاح رفتار حکومت‌ها مؤثر است. او با مطالعه عوارض سیاسی سیل پاکستان نظر بالا را رد می‌کند و معتقد است سانحه نه تنها اصلاحاتی در حکومت نمی‌آفریند، بلکه میل به رفتارهای خشونت‌آمیز را در حکومت بیشتر می‌کند (کریستین فیر و همکاران، ۲۰۱۳). وود و رایت^۳ (۲۰۱۵)، نیز در مقاله پاسخگویی به حرکت کنترل فاجعه^۴ به این نکته اشاره می‌کنند که حوادث طبیعی اغلب باعث رنج بسیار مردم می‌شوند. ضمن آن که ممکن است انگیزه‌هایی را برای دولت‌ها در سرکوب شهروندان خود ایجاد نمایند. به نظر می‌رسد دلیل این سرکوب‌ها افزایش

^۱. Man & society in calamity

^۲. Christine fair

^۳. Reed & Wood

^۴. Responding to catastrophe-repression dynamics

نارضایتی مردم و کاهش قدرت کنترل دولت بر اثر وقوع ناگهانی حوادث طبیعی است که عاملی چالش‌زا و محرک میان مردم و دولت است.

روش تحقیق

روش پژوهش، آینده‌پژوهی و به صورت ترکیبی از دو تکنیک دلفی و سناریوسازی استفاده شده است. به این تکنیک که میکس متد^۱ می‌گویند ترکیبی است که در آن از تکنیک دلفی، سناریونویسی، به همراه پرسشنامه و ماتریس اثرهای متقاطع استفاده می‌شود. جهت تعیین مؤلفه‌های بحران‌های سیاسی پس از زلزله تهران عوامل کلیدی شناسایی گردید و میزان تأثیر و عدم قطعیت شاخص‌های شناسایی شده پیامدهای سیاسی زلزله از طریق تکمیل پرسشنامه مشخص شد. این پرسشنامه عوامل تأثیرگذار را به ۳۲ عامل تقسیم‌بندی نموده است. روش دلفی، به منظور برقراری یک تعامل صحیح بین نظرات واقعی افراد طراحی شد. اعضای پانل دلفی به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی هدف‌مند برگزیده شدند. ابتدا ۱۵ نفر از افرادی نامزد شدند که پژوهشگر برای مشارکت در این پژوهش مناسب می‌دانست. این افراد واجد یک یا چند ویژگی زیر بودند:

الف) مدیر ارشد یا کارشناس و متخصص خبره حوزه مدیریت بحران.

ب) عضو هیأت علمی دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی در حوزه مدیریت بحران و جامعه‌شناسی و علوم سیاسی.

از میان پانزده نفر اعضای پانل ده نفر عضو هیأت علمی بودند که به جز دو نفر که فقط شاغل در دانشگاه بودند بقیه علاوه بر استخدام هیأت علمی، مسئولیت اجرایی یا مشاوره در حوزه مدیریت بحران هم بودند. پنج نفر باقیمانده مدیر ارشد اجرایی و یا کارشناس خبره در حوزه مدیریت بحران بودند. از بین هشت نفر افراد موصوف افرادی بودند که دارای سابقه مدیریت در بحران‌های مختلف دولتی و غیردولتی بودند. سوابق اجرایی آن‌ها از ۱۰ تا ۲۷ سال مدیریت در نوسان بود. از میان ۱۵ نفر اعضای پانل، تحصیلات ۵ نفر کارشناسی ارشد و ۱۰ نفر دارای دکترای تخصصی بودند.

یافته‌های تحقیق در دور اول

در این دور اعضای پانل از بین ۳۲ مورد تغییرات و پیامدهای سیاسی احتمالی شهر تهران، با نشان دادن عدد ۱ تا ۷ میزان اهمیت هر کدام را انتخاب نمودند که ۲۰ گزینه از انتخاب اول آن‌ها با اهمیت بیش از میانگین (خیلی زیاد و زیاد) به ترتیب در جدول ذیل آمده است.

^۱. Mix Metod

جدول شماره (۱): میزان اهمیت تغییرات و پیامدهای سیاسی از نظر خبرگان

ردیف	تغییرها و عوامل شکل‌گیری بحران سیاسی بعد از زلزله احتمالی در شهر تهران در ۲۰ سال آینده
۱	زلزله‌ای شدید و گسترده در سطح کل شهر (با شدتی به میزان ۷ ریشتر و بیشتر) احتمال وقوع دارد.
۲	تأسیسات عمومی شهری (شبکه‌های برق، گاز، آب و مخابرات) در برابر زلزله احتمالی شهر تهران مقاوم است.
۳	سازماندهی و توزیع جغرافیایی دستگاه‌های امدادی وابسته به نهاد مدیریت بحران در تهران برای وقوع زلزله احتمالی مناسب است.
۴	سازه‌های مراکز، نهادهای اداری، مدیریتی، سیاسی و امنیتی تهران در برابر زلزله احتمالی شهر تهران در آینده مقاوم است.
۵	تجهیزات، مهارت‌ها و آموزش تخصصی موجود در دستگاه‌های وابسته به مدیریت بحران شهر تهران برای وقوع زلزله احتمالی مناسب است.
۶	سازه‌های مسکونی فعلی در برابر زلزله احتمالی شهر تهران در آینده مقاوم است.
۷	بعد از وقوع زلزله احتمالی تهران، بحران، شورش و ناآرامی‌های شهری به خاطر تراکم شدید ساختمان‌ها، جمعیت زیاد و ناهمگونی‌های شدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پدید خواهد آمد.
۸	در صورت وقوع یک زلزله بزرگ و ویرانگر در شهر تهران کل نظام سیاسی ایران تضعیف و ناکارآمد می‌گردد.
۹	نظام سیاسی و مدیریتی کشور در برابر پیامدهای وقوع یک زلزله بزرگ در تهران آمادگی کافی دارد.
۱۰	اقتصاد ایران به دلیل از بین رفتن بخش اعظم مراکز اقتصادی کشور در صورت وقوع زلزله شدید و وسیع در تهران مختل می‌شود.
۱۱	بحران سیاسی به خاطر نابودی بخش اعظم نهادهای تصمیم‌گیری در صورت وقوع زلزله شدید و وسیع در تهران به وجود می‌آید.
۱۲	بحران اجتماعی در صورت وقوع زلزله شدید و وسیع در تهران شکل می‌گیرد.
۱۳	بعد از وقوع زلزله احتمالی تهران، تبعات منفی سیاسی، شورش و اعتراض مردم ناشی از آسیب‌های اقتصادی، تخریب بازار و عدم وجود کالاهای ضروری مردم پدید خواهد آمد.
۱۴	سازماندهی و توزیع جغرافیایی دستگاه‌های امدادی وابسته به نهاد مدیریت بحران در تهران برای وقوع زلزله احتمالی مناسب است.
۱۵	تمایل رفتار اجتماعی و فرهنگی مردم به همکاری و نظم درون جوش در صورت وقوع بحران مدیریت در شرایط ناشی از زلزله کافی است.
۱۶	بی‌ثباتی و خشونت‌های وسیع سیاسی و اجتماعی در کشور در صورت وقوع یک زلزله بزرگ و ویرانگر در شهر تهران اتفاق می‌افتد.
۱۷	ظرفیت و توانایی نهادهای مدنی در پر کردن خلأ ناشی از تضعیف نهادهای سیاسی و مدیریتی در شرایط پس از زلزله کافی است.
۱۸	بعد از وقوع زلزله شدید احتمالی تهران، بحران‌های نهفته متأثر از تضعیف اقتدار دولتی و به تبع آن خلأ قدرت در جامعه و نیز فعال شدن خواسته‌های قومی فعال خواهد شد.
۱۹	بعد از وقوع زلزله شدید احتمالی تهران، بحران‌های نهفته متأثر از تضعیف اقتدار دولتی و به تبع آن خلأ قدرت در جامعه و نیز فعال شدن خواسته‌های قومی فعال خواهد شد.
۲۰	همدلی و حس یگانگی میان طبقات اجتماعی مختلف متأثر از تجربه غم و سرنوشت مشترک متعاقب زلزله احتمالی شهر تهران افزایش خواهد یافت.

هم‌چنین در این دور میزان زیاد و خیلی زیاد عدم قطعیت را برای تغییرات به ترتیب این گونه انتخاب کرده‌اند.

جدول شماره (۲): عدم قطعیت تغییرات و پیامدهای سیاسی از نظر خبرگان

ردیف	تغییرها و عوامل شکل‌گیری بحران سیاسی بعد از زلزله احتمالی در شهر تهران در ۲۰ سال آینده
۱	زلزله‌ای شدید و گسترده در سطح کل شهر (با شدتی به میزان ۷ ریشتر و بیشتر) احتمال وقوع دارد.
۲	بعد از وقوع زلزله احتمالی تهران، تبعات منفی سیاسی، شورش و اعتراض مردم ناشی از آسیب‌های اقتصادی، تخریب بازار و عدم وجود کالاهای ضروری مردم پدید خواهد آمد.
۳	بعد از وقوع زلزله احتمالی تهران، بحران، شورش و ناآرامی‌های شهری به خاطر تراکم شدید ساختمان‌ها، جمعیت زیاد و ناهمگونی‌های شدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پدید خواهد آمد.
۴	همدلی و حس یگانگی میان طبقات اجتماعی مختلف متأثر از تجربه غم و سرنوشت مشترک متعاقب زلزله احتمالی شهر تهران افزایش خواهد یافت.
۵	بعد از وقوع زلزله شدید احتمالی تهران، رفتارهای خشن تجزیه‌طلبانه و یا جنبش‌های اعتراضی قومی در سایه تضعیف نظام سیاسی و قدرت مرکزی بروز می‌کند.
۶	بحران اجتماعی در صورت وقوع زلزله شدید و وسیع در تهران شکل می‌گیرد.
۷	بعد از وقوع زلزله شدید احتمالی تهران، بحران‌های نهفته متأثر از تضعیف اقتدار دولتی و به تبع آن خلأ قدرت در جامعه و نیز فعال شدن خواسته‌های قومی فعال خواهد شد.
۸	تجربه عدم توفیق اقدامات دولت و نهادهای مسئول در مدیریت مشکلات مربوط به مدیریت زلزله‌های قبلی بر مدیریت بحران زلزله احتمالی آینده موثر است.
۹	بعد از وقوع زلزله احتمالی تهران، مشخصاً خرابی ساختمان‌ها و از هم پاشیدگی نهادهای سیاسی در شکل‌گیری بحران سیاسی موثر خواهد بود.
۱۰	اقتصاد ایران به دلیل از بین رفتن بخش اعظم مراکز اقتصادی کشور در صورت وقوع زلزله شدید و وسیع در تهران مختل می‌شود.
۱۱	بحران سیاسی به خاطر نابودی بخش اعظم نهادهای تصمیم‌گیری در صورت وقوع زلزله شدید و وسیع در تهران به وجود می‌آید.
۱۲	بی‌ثباتی و خشونت‌های وسیع سیاسی و اجتماعی در کشور در صورت وقوع یک زلزله بزرگ و ویرانگر در شهر تهران اتفاق می‌افتد.
۱۳	بعد از وقوع زلزله احتمالی تهران، مشخصاً ناامنی‌های عمومی شهری در شکل‌گیری بحران سیاسی موثر خواهد بود.
۱۴	متعاقب زلزله احتمالی شهر تهران، همگرایی سیاسی و اجتماعی مردم افزایش خواهد یافت.
۱۵	در صورت وقوع یک زلزله بزرگ و ویرانگر در شهر تهران کل نظام سیاسی ایران تضعیف و ناکارآمد می‌گردد.
۱۶	این باور که هر چه خدا بخواهد مقدر خواهد شد، در عدم آمادگی و مشکلات مربوط به مدیریت زلزله‌های آینده موثر است.
۱۷	تجربه عدم مشارکت و همکاری مردم در مدیریت مشکلات مربوط به مدیریت زلزله‌های قبلی بر مدیریت بحران زلزله احتمالی آینده موثر است.
۱۸	ورود نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد متعاقب زلزله احتمالی شهر تهران افزایش خواهد یافت و رویه‌های دموکراتیک در جامعه تقویت خواهد شد.
۱۹	بعد از وقوع زلزله شدید احتمالی تهران، رفتارهای خشن تجزیه‌طلبانه و یا جنبش‌های اعتراضی قومی در سایه تضعیف نظام سیاسی و قدرت مرکزی بروز می‌کند.
۲۰	مدیریت امداد رسانی و کاهش پیامدهای منفی زلزله‌های بزرگ قبلی (در سال‌های بعد از انقلاب نظیر زلزله رودبار و بم) بر مدیریت بحران زلزله احتمالی آینده موثر است.

در این دور نتایج دور اول آنالیز شده و در قالب یک جمع‌بندی شماتیک نظرات خبرگان در اختیار اعضای پانل قرار گرفت. در این دور مجدداً از متخصصان خواسته شد تا نظر خود را نسبت به هر عنوان با استفاده از مقیاس لیکرت رتبه‌بندی و به عبارتی کمیت‌پذیر نمایند. در این جا مورد توافق و عدم توافق مشخص می‌شود. پس از جمع‌آوری پرسشنامه دوم، آنالیز از قبیل میانگین و میانه تهیه گردید که نتیجه آن همگرایی نظرات شرکت‌کنندگان در دو گزینه بود که بر اساس پرسشنامه اهمیت و قطعیت که به نظر خبرگان گذاشته شده بود یعنی «ظرفیت و کارآمدی نظام سیاسی و مدیریتی کشور در برابر پیامدهای احتمالی وقوع زلزله» و «ظرفیت و توانایی نهادهای مدنی در پر کردن خلاء ناشی از تضییع نهادهای سیاسی» به عنوان عدم قطعیت‌های پژوهش حاضر انتخاب شدند و بر اساس پرسشنامه توزیع شده بین خبرگان، دو پیشران مورد اشاره که در جدول آمده بود و به نظر خبرگان گذاشته شده بود بالاترین میزان اهمیت منتخب و بالاترین میزان عدم قطعیت را از بین گزینه‌های تغییرات به خود اختصاص داده‌اند.

تحلیل سناریو

برای تدوین سناریوها روش‌های مختلفی وجود دارد که پژوهش حاضر، سناریوهای خود را بر اساس الگوی هشت مرحله‌ای GBN (پیتز شوارتز)^۱ تدوین کرده است.

گام اول: شناسایی موضوع

شوارتز معتقد است فرآیند تدوین یک سناریو را باید با انتخاب موضوع یا تصمیم خاص شروع کنیم و سپس بنای سناریو را به سمت محیط بیرونی توسعه دهیم. همواره عنوان یک موضوع در پاسخ به سوال اصلی شکل می‌گیرد. در موضوع باید مواردی هم‌چون افق زمانی سناریو، محدوده جغرافیایی و گسترده تحت پوشش پرسش، منابع مختلف فرهنگی- سیاسی مورد توجه قرار دهیم. از این رو تحقیق پیش رو در پاسخ به این سوال اصلی شکل گرفته است که پیامدهای سیاسی ناشی از زلزله در کلانشهر تهران چیست؟ در گام اول با طراحی پرسش اصلی پژوهش موضوع تحقیق شکل می‌گیرد، پیامدهای سیاسی سوانح طبیعی در ایران آینده‌پژوهی پیامدهای سیاسی زلزله احتمالی در تهران که در محدوده جغرافیایی ایران و در یک افق زمانی ۲۰ ساله مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

گام دوم: شناسایی نیروهای کلیدی

در گام دوم فهرستی از عوامل کلیدی که بر موفقیت یا ناکامی تصمیم اثرگذار هستند، تهیه شد. عوامل کلیدی معیار اصلی تحقیق هستند که وضعیت موجود را نشان می‌دهند. در پژوهش حاضر بر اساس روش آینده‌پژوهی پس از بررسی‌های تحلیلی از عواقب سیاسی وقوع زلزله، با استفاده از روش دلفی (اجماع هم

^۱. Peter Schwartz

اندیشی خبرگان) به بررسی موضوع اصلی تحقیق پرداختیم. لذا بر اساس پژوهش حاضر عوامل کلیدی و نیروهای پیشران قابل تفکیک نبوده و یکسان انتخاب شده است.

گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران

در مرحله سوم، لیستی از روندهای پیشران در محیط کلان تهیه شد. این روندها بر عامل کلیدی اثرگذار هستند.

در این قسمت لیستی از بدیل‌های به دست آمده را به عنوان پیشران سناریو معرفی گردید. هر عامل کلیدی تحت تأثیر چندین نیروی پیشران قرار داشت، اما پژوهشگر باید بتواند تعداد نیروهای پیشران را با هدف محدود کردن مسئله کم کند.

۱. احتمال وقوع بسیار بالای زلزله با شدتی به میزان ۷ ریشتر در تهران
۲. عدم آمادگی نظام مدیریتی و سیاسی کشور در برابر پیامدهای زلزله تهران
۳. مقاوم نبودن تأسیسات عمومی شهری (شبکه‌های برق، گاز، آب و مخابرات)
۴. غیرمقاوم بودن سازه‌های نهادهای مدیریتی، سیاسی و امنیتی تهران در برابر زلزله و تخریب آن‌ها
۵. مرگ و میر نخبگان سیاسی و عدم پیش‌بینی جایگزینی مقامات در شرایط پس از زلزله
۶. عدم مشارکت و همکاری مردم در مدیریت مشکلات مربوط به زلزله
۷. بی‌ثباتی و خشونت‌های سیاسی و اجتماعی در صورت وقوع یک زلزله در تهران
۸. عدم ظرفیت و توانایی نهادهای مدنی در پر کردن خلاء ناشی از تضعیف نهادهای سیاسی و مدیریتی

۹. الگوی رفتار اجتماعی و فرهنگی مردم به همکاری یا عدم همکاری در شرایط پس از زلزله
۱۰. اختلال در اقتصاد ایران به دلیل از بین رفتن مراکز اقتصادی پس از زلزله
۱۱. تبعات منفی سیاسی مانند شورش و اعتراض مردم به دنبال تخریب نهادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی و تضعیف اقتدار دولتی
۱۲. بروز رفتارهای خشن تجزیه طلبانه و جنبش‌های اعتراض قومی به دلیل تضعیف نظام سیاسی.

گام چهارم: طبقه‌بندی بر اساس اهمیت و عدم قطعیت

هدف اصلی این گام یافتن دو یا سه عامل یا پیشرانی بود که اهمیت بیشتری داشتند. در این روش از ماتریس شدت اهمیت استفاده شد. بر اساس پرسشنامه اهمیت و شدت دو پیشران که در جدول آمده بود و به نظر خبرگان گذاشته شده بود «ظرفیت و کارآمدی نظام سیاسی و مدیریتی کشور در برابر پیامدهای احتمالی وقوع زلزله» و «ظرفیت و توانایی نهادهای مدنی در پر کردن خلاء ناشی از تضعیف نهادهای سیاسی» به عنوان عدم قطعیت‌های پژوهش حاضر انتخاب شدند که بر اساس پرسشنامه توزیع شده بین

خبرگان بالاترین میزان اهمیت منتخب و بالاترین میزان عدم قطعیت را از بین پیشران‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

ظرفیت و کارآمدی نظام سیاسی و مدیریتی کشور



از این جهت در دو سر طیف این عدم قطعیت، عدم آمادگی و آمادگی نظام سیاسی و امنیتی کشور در برابر پیامدهای احتمالی زلزله تهران را قرار می‌دهیم.

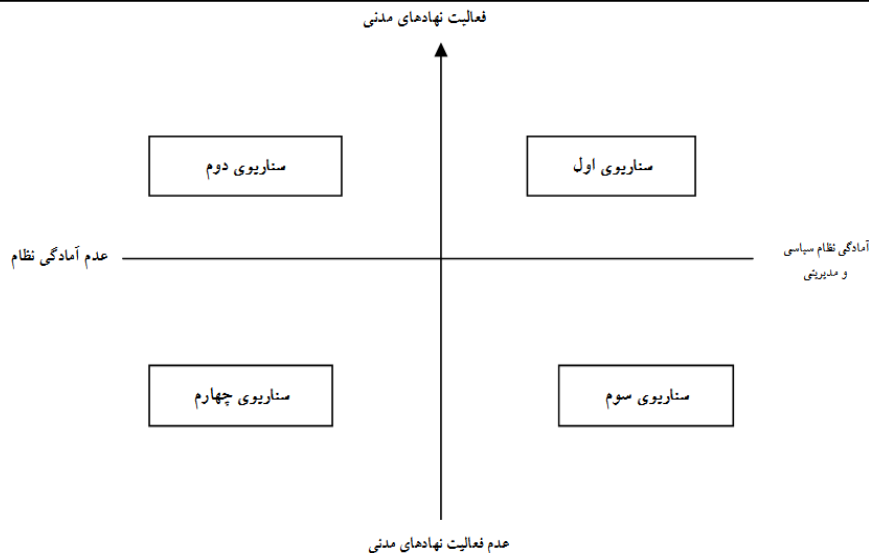
ظرفیت و توانایی نهادهای مدنی



از این جهت در دو سر طیف این عدم قطعیت، فعالیت‌های نهادهای مدنی یا خلا نهادهای مدنی در عملکردن خلأ ناشی از تضعیف نهادهای سیاسی و مدیریتی در شرایط پس از زلزله تهران را قرار می‌دهیم.

گام پنجم: انتخاب منطق سناریو

برای کاهش پیچیدگی و ممکن ساختن تصمیم‌گیری چاره‌ای نیست جز آن که چند سناریو با جزئیات مناسب توسعه یابند. کثرت سناریو، عملاً کارایی فرآیند را از میان می‌برد و منطق سناریو، یعنی شرح چگونگی رفتار باورکردنی نیروهای پیشران در سناریو، پس شناسایی عدم قطعیت‌های اصلی، نمایش آن‌ها در یک محور مختصات مفید است. با انتخاب در عدم قطعیت اصلی و رسم دو محور، فضای مسئله بر چهار زیرفضا تقسیم می‌شود. یعنی می‌توان چهار سناریوی مختلف را در نظر گرفت.



شکل شماره (۱): ماتریسی اهمیت و عدم قطعیت از بین پیشران‌های مذکور

گام ششم: پربار کردن سناریو

در این مرحله سعی گردید در هر سناریو تمام عوامل کلیدی و روندهایی را که در مرحله قبل به علت محدود کردن نیروهای پیشران حذف کنیم، در تدوین سناریو به کار بگیریم. زمانی این فعالیت به خوبی به انجام می‌رسد که تکه‌های مختلف اطلاعات را به صورت یک داستان به هم وصل کنیم.

- سناریوی اول

سناریوی اول از در همکنش آمادگی نظام سیاسی و مدیریتی کشور و فعالیت نهادهای مدنی پدید می‌آید. در این سناریو حاکمیت با فهم صحیح از جامعه یعنی تجزیه شدن قدرت و نظام سیاسی و عدم کارآیی انقباض مدیریت مشارکتی، به دنبال تغییر ساختاری در حوزه عمومی شده است. لذا به دنبال مکانیسم‌هایی برای تسهیل رابطه دولت و نیروهای اجتماعی است. این‌جاست که نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نمایندگان جامعه مدنی خود را نشان می‌دهد. در این حالت دولت خود را نیازمند گفتگو با همه لایه‌های اجتماعی از طریق نهادهای مدنی می‌بیند. این نهادها به عنوان نهادهای میانجی دولت عمل می‌کنند از این‌رو دولت می‌تواند برای کنترل بحران‌ها از قدرت مشارکت سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی به عنوان توان ملی بهره‌برداری نماید. دولت با اجرای سیاست تمرکززدایی و واگذاری بخشی از اختیارات و وظایف خود به نهادهای محلی مبادرت به کسب مشروعیت می‌نماید. در این سناریو مشارکت اجتماعی به عنوان یک سرمایه در جامعه ترویج و تبلیغ شده و مشارکت مدنی و عضویت در سمن‌ها به

منظور فعالیت‌های مثبت جمعی، به عنوان یک ارزش در مقابل فردگرایی در جامعه توسط دولت و گروه-های مردم شناسانده می‌شود. تجربه زلزله‌های متعدد در ایران نشان داده که عملیات واکنش اضطراری به تنهایی از عهده دولت‌ها خارج و حتی فاقد کارایی لازم می‌باشد. بنابراین مؤثرترین فعالیت‌های امداد و نجات در مراحل اولیه بحران زلزله و بعد از آن استفاده از تشکلهای خودجوش مردمی است که با مدیریت صحیح آن‌ها می‌توان ضریب ایمنی و امنیت شهری را ارتقاء داد.

از آمادگی نظام سیاسی باید به انتخاب یک مرکز سیاسی یا پایتخت موقت در یکی از شهرهای مجاور (شهر معین) جهت انجام مدیریت بحران‌های سیاسی به وجود آمده پس از زلزله اشاره نمود. این شهر که در اطراف تهران خواهد بود باید امن بوده و به عنوان مرکز مدیریت بحران اقدامات مدیریتی در آن صورت پذیرد.

نظام سیاسی ایران در این صورت از حالت تمرکزگرایی خارج شده و از تجمیع نهادها و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان در تهران اجتناب می‌نماید. یعنی همراه با کاهش اقتدار دولت افزایش اختیارات نهادهای مدنی و محلی با وقوع زلزله آسیب گسترده متوجه نظام سیاسی ایران نخواهد شد. یک نظام سیاسی آماده، می‌بایستی نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌اش را به صورت غیرمتمرکز، دموکراتیک و مشارکتی و با افزایش اختیارات به نهادهای مدنی متحول نماید. در چنین حالتی نهادهای سیاسی تابعه در سطح کشور دیگر وابسته به تهران نبوده و قادر به تصمیم‌گیری در شرایط فقدان نهادهای سیاسی مرکز خواهند بود و با به وجود آمدن آسیب در نهادهای سیاسی مانع بحران مشروعیت می‌شوند. وجود شوراهای شهر و روستا و سایر تشکیلات غیردولتی فضای مناسبی برای انجام کارکردهای محلی هستند. بحران سیاسی دیگری که در صورت آسیب‌پذیر شدن حکومت مرکزی امکان بروز آن وجود دارد؛ بروز شورش‌های قومی است. به عبارت دیگر زمینه بروز واکنش‌های منفی مردم در شرایط پس از زلزله در اشکال انتقاد، اعتراض، آشوب خود را نشان خواهد داد. نظام آماده، واجد برنامه برای مواجهه با چنین شرایطی است. به عنوان مثال با بررسی ظرفیت‌ها و زمینه‌های شورش می‌توان با استفاده از بلندگوهای رسمی مردم را دعوت به آرامش و کمک به دیگران نمود. از سویی با در نظر داشتن نقاط پرخطر اقدامات تأمینی را برای کنترل شورش‌ها اجرا نمود.

اقدام بعدی نظام در حوزه آمادگی در برابر زلزله به نظام اطلاع رسانی بر می‌گردد که از آن به حوزه بحران نفوذ و اطلاع رسانی یاد می‌شود، این بحران زمانی به وقوع می‌پیوندد که دستگاه‌های اطلاع‌رسانی که وظیفه انتشار اخبار سیستم را به مردم دارند در صورت بروز زلزله دچار تخریب شده و فاقد کارکرد می‌شوند و نظام سیاسی را با بحران نفوذ مواجه می‌سازند. اولین اقدام در حوزه اطلاع رسانی ایجاد یک مرکز اطلاع رسانی قوی در یکی از شهرهای امن خارج از تهران که در صورت آسیب دیدن مراکز اطلاع رسانی مانند رسانه ملی و خبرگزاری‌ها به سرعت وظایف مربوط به اطلاع رسانی را برای تمام کشور به عهده گیرد. پس از وقوع زلزله این مرکز با اعلام بسیج عمومی و با پخش برنامه‌های مناسب به صورت

رادیویی، تلویزیونی و شبکه‌های مجازی سعی در تقویت روحیه ملی و احساس وطن دوستی مردم بنماید تا امکان تبلیغات رسانه‌های خارجی و گروه‌های اپوزیسیون را بگیرد. بدیهی است ضرورت تشکیل یک ستاد با ترتیبات خاص خود برای نظم دادن به سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاع رسانی مردمی، ضرورت دارد. نظام سیاسی پس از زلزله مواجه با بحران‌های اقتصادی خواهد شد که از آن به بحران توزیع یاد می‌شود. در حوزه بحران توزیع که به تبعات اقتصادی زلزله توجه دارد می‌توان به اقدامات مدیریتی و سیاسی نظام پرداخت در کوتاه‌مدت نظام باید نسبت به بازسازی و راه‌اندازی سریع مراکز اقتصادی حساس و تصمیم‌گیرنده مانند بانک مرکزی و وزارتخانه‌های اقتصادی اقدام نماید. در قدم بعدی به احیاء و راه‌اندازی مرکز تجاری و بازار مهم شهر اهتمام کند، زیرا تخریب این مراکز می‌تواند بیشترین تأثیر را بر اوضاع اقتصادی و سیاسی داشته باشد. چون تأمین‌کننده نیازهای ضروری مردم است و خود این امر می‌تواند بحران‌های اجتماعی مانند سرقت‌ها، قتل‌ها، شورش‌ها و هرج و مرج‌های خیابانی را به دنبال داشته باشد. به عنوان مثال دولت باید از قبل با هماهنگی اتحادیه‌های صنفی مکان‌هایی را به طور موقت تحت عنوان بازار راه‌اندازی نماید و در آن‌ها نیازهای ضروری نیازمندان را عرضه نماید. با توجه به واقع شدن مراکز مهم اقتصادی که شریان حیاتی نظام مصرفی کشور را تشکیل می‌دهد. فاصله گرفتن بازارها از گسل‌ها اهمیت حیاتی دارد. هم‌چنین در دو فاز باید مشکلات به وجود آمده ناشی از تخریب بازار و مراکز اقتصادی را مدیریت کرد در ابتدا انتقال واحدهای تجاری از مناطق زلزله خیز به مناطق کم خطر باید در دستور کار قرار گیرد.

- سناریوی دوم

سناریوی دوم از در هم‌کنش عدم آمادگی نظام سیاسی و مدیریتی کشور و فعالیت نهادهای مدنی پدید می‌آید. بر اساس این سناریو نظام سیاسی و مدیریتی آمادگی لازم برای مقابله با بحران‌ها را ندارد به ویژه در شرایطی که تخریب ناشی از آن زیاد باشد و حاکمیت سیاسی بر اثر تخریب نهادهای وابسته به آن آسیب‌پذیر شده‌اند. در چنین حالتی آن ساختار فراگیر که اداره امور کشور را بر عهده دارد قادر به اداره امور کشور نیست و تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی حکومت را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. نظام سیاسی ایران به دلیل تمرکزگرایی آن یعنی تجمیع نهادها و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان در تهران با وقوع یک زلزله آسیب‌پذیری گسترده‌ایی را متوجه نظام سیاسی ایران می‌کند. زیرا نهادهای سیاسی تابعه در سطح کشور به دلیل وابسته بودن به تهران قادر به تصمیم‌گیری در شرایط فقدان نهادهای سیاسی مرکز نیستند. با وجود آسیب دیدن نهادهای سیاسی در تهران مدیریت سیاسی نظام دچار تغییر شده و زمینه‌های بحران مشروعیت را تسهیل می‌کند. بعد از وقوع زلزله و با آسیب‌پذیر شدن حکومت مرکزی امکان بروز واکنش‌های منفی مردم در اشکال انتقاد، اعتراض، آشوب وجود دارد. دولت غیرآماده نمی‌تواند از ظرفیت‌های داخلی و روحیه وفاق و همدلی جهت خنثی‌سازی شورش‌های احتمالی استفاده کند. گروه-

های سیاسی معاند و اپوزیسیون و سایر نیروهای اجتماعی ناراضی از فضای پرتنش و ناآرام سیاسی پس از زلزله در تهران در جهت تشویق هواداران‌شان به بلوا و شورش استفاده کرده و اختلال در امنیت و سلب آرامش جامعه می‌نمایند. با این عمل کارکرد نظام سیاسی و مدیریتی را که ایجاد امنیت پس از بروز زلزله در کشور است را تبدیل به بحران امنیت می‌کنند.

اگرچه احساس همبستگی و نودوستی ایرانیان در زمان بحران خود عامل مهمی در مقابله با بحران‌های سیاسی ناشی از زلزله است ولی در شرایطی که دولت مسئول رفع مشکلات ناشی از حادثه است و قادر به کارکرد خود نمی‌باشد؛ این وظیفه با ویژگی نودوستی مردم گره می‌خورد و زمینه را برای حضور فله‌وار مردم در صحنه‌های امداد و نجات فراهم و سوء استفاده تشکل‌های مخالف و نابهنجار مهیا می‌شود. حاکمیت ضعیف در برابر بحران‌های طبیعی نیز قادر نیست آسیب‌های به جا مانده از زلزله را در ابعاد مختلف اجتماعی بر طرف سازد. نهادهای مدنی در چنین شرایطی به دنبال پر کردن خلأ نهادهای دولتی هستند. درباره نقش شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات محلی در اطلاع رسانی زلزله در جامعه و تأثیر آن در تشدید یا تسکین آلام زلزله‌زدگان باید گفت شکی نیست که در حال حاضر جهان در سیطره اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است و جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نیست.

- سناریوی سوم

سناریوی سوم از بر همکنش آمادگی نظام سیاسی و عدم فعالیت نهادهای مدنی در شرایط بعد از زلزله شکل می‌گیرد. در این سناریو اگر چه با روند جهانی شدن به سمت تضعیف حاکمیت دولت‌های ملی و گسترش اقتدار نهادهای مدنی می‌رویم ولی نظام سیاسی با داشتن ایدئولوژی فراگیر و استفاده از نیروهای نظامی و امنیتی به سرکوب تقاضاهای مشارکت و دموکراتیک‌سازی نظام مبادرت می‌کند و مانع شکل‌گیری نهادهای مدنی می‌شود. تجربه جوامع مختلف نشان داده در جوامعی که مدیران دولتی عهده‌دار مسئولیت بحران بوده‌اند همواره شاهد از هم گسستگی در ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان حادثه در چند روز حادثه بوده‌ایم و افراد متکی بر توان‌مندی‌های دولتی با بروز یک حادثه طبیعی مانند زلزله در مقیاس بزرگ نه تنها نقش فعال خود را در زمینه کنترل بحران نتوانسته‌اند بر عهده بگیرند، بلکه عاملی برای کاهش سرعت در رسیدن کمک‌های ارسالی و خدمات ارائه شده به نیازمندان واقعی می‌گردند. زیرا تا زمانی که نیازمندی‌های خود را برطرف نکنند به جمع امدادگران ملحق نخواهند شد. لذا بنا به دلایل زیر مدیریت بحران دولتی نتوانسته کارایی خود را نشان دهد:

۱. توان محدود دولت در ارائه خدمات در لحظات اولیه وقوع بحران زلزله

۲. عدم استفاده از توان بالا و بالقوه جامعه مدنی با توجه به تخصص‌های مختلف افراد جامعه.

پس دولت‌ها نمی‌توانند بار مدیریت بحران را در برابر حوادث بزرگ به دوش بکشند. از سویی در برخی از جوامع، دولت‌ها مایل به پذیرش و همکاری با نهادها و سازمان‌های غیردولتی نیستند؛ زیرا آن‌ها

اساساً نهادهای مستقل از دولت را مزاحم سیاست‌های خود می‌دانند. از این رو ترجیح می‌دهند تا آن‌جا که بتوانند این سازمان‌ها را ضعیف نگه دارند، با آن‌ها همکاری نکنند و از ارائه هر گونه کمک به آن‌ها خودداری کنند. نتیجه این امر تشکیل سازمان‌های غیردولتی ضعیف و غیر مؤثر است که تنها روی کاغذ و در اسناد و مدارک وجود دارند ولی در عمل فاقد توان برای فعالیت مؤثر هستند. در حوزه بحران نفوذ و اطلاع رسانی بحران زمانی به وقوع می‌پیوندد که دستگاه‌های اطلاع رسانی که وظیفه انتشار اخبار سیستم را به مردم دارند در صورت بروز زلزله دچار تخریب شده و فاقد کارکرد می‌گردند و نظام سیاسی را با بحران نفوذ مواجه می‌سازند. برای پیشگیری از وقوع چنین بحرانی، نظام سیاسی و مدیریتی برنامه‌ای برای استفاده از پتانسیل نهادهای مدنی ندارد. با فقدان نظام اطلاع رسانی در شرایط پس از حادثه ارتباط نظام با مردم قطع شده و این بحران که از آن به نفوذ یاد کردیم می‌تواند به تضعیف و حتی نابودی نظام منجر شود.

- سناریوی چهارم

سناریوی چهارم از بر هم‌کنش دو عدم قطعیت آمادگی نظام سیاسی و عدم فعالیت نهادهای مدنی در شرایط بعد از زلزله شکل می‌گیرد. نظام سیاسی ناکارآمد تحت تأثیر زلزله با بحران اقتدار و مشروعیت مواجه می‌شود. با توجه به نارضایتی مردم از سیاست‌های حکومت، عدم آماده بودن نظام سیاسی و مدیریتی کشور در پاسخگویی به مشکلات ناشی از زلزله می‌تواند به بروز پیامدهای منفی و گسترش نارضایتی‌ها و اعتراضات دامنه‌دار منجر شود. با توجه به زلزله‌خیزی ایران، نظام سیاسی یعنی حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی که بنیادی‌ترین پایه نظام سیاسی است با بحران اقتدار و مشروعیت که ناشی از ناکارآمدی این حوزه است را با بحران سیاسی مواجه می‌کند.

این امر در اثر فوت و معلولیت نخبگان عالی نظام در صورت وقوع زلزله احتمالی تهران اتفاق خواهد افتاد و حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی نظام را که بنیادی‌ترین پایه نظام سیاسی است با بحران اقتدار و مشروعیت روبرو خواهد کرد. در صورت آسیب‌پذیر شدن حکومت مرکزی امکان بروز شورش‌های قومی در شرایط پس از زلزله در اشکال انتقاد، اعتراض، آشوب خود را نشان خواهد داد. گروه‌های سیاسی موجود در تهران در فضای پرتنش و ناآرام سیاسی پس از زلزله مبادرت به تحریک هواداران‌شان می‌کنند و آنان را وادار به آشوب می‌کنند.

ظهور حرکات قومی در زمان ضعف حکومت مرکزی نشانگر اعتراض و نارضایتی آنان از سیاست‌های حکومت مرکزی می‌باشد. این حالت مردم که در روند مدیریت جامعه مشارکت ندارند نسبت به کشور حس وطن‌پرستی نداشته و از خود واکنش‌های منفی قومی بروز می‌دهند. عدم آمادگی نظام سیاسی در برابر زلزله به حوزه‌ای دیگر اشاره دارد که از آن به حوزه بحران نفوذ و اطلاع رسانی اطلاق می‌شود. این بحران زمانی به وقوع می‌پیوندد که دستگاه‌های اطلاع رسانی که وظیفه انتشار اخبار سیستم را به مردم

دارند در صورت بروز زلزله دچار تخریب شده و فاقد کارکرد می‌شوند و نظام سیاسی را با بحران نفوذ مواجه می‌سازند و نظام سیاسی که آمادگی لازم برای مقابله با این وضعیت ندارد را دچار بحران سیاسی می‌کند. پس از وقوع زلزله با نبود یک مرکز اطلاع رسانی قوی در غیاب رسانه‌های نظام امکان تبلیغات رسانه‌های خارجی و گروه‌های اپوزیسیون فراهم می‌شود. با فقدان نظام اطلاع رسانی در شرایط پس از حادثه ارتباط نظام با مردم قطع شده و این بحران که از آن به نفوذ یاد کردیم می‌تواند به تضعیف و حتی نابودی نظام منجر شود. عدم حضور نیروها و گروه‌های اجتماعی در قالب صنفی و تخصصی مختلف در حوزه رسانه و ارتباط آنان با مردم می‌تواند به کاهش نفوذ نظام سیاسی و تحریکات گروه‌های مخالف داخلی و خارجی در تضعیف نظام سیاسی منجر شود و تبلیغات این گروه‌ها می‌تواند به افزایش فشارهای روحی و روانی در بین مردم و شکل‌گیری اعتراضات و آشوب‌ها و شورش‌های سیاسی و اجتماعی بیانجامد.

گام هفتم: شناسایی پیامدها

پس از آن که سناریوها با جزئیات بیشتری توسعه یافتند، زمان آن می‌رسد که با مراجعه به موضوع یا تصمیم اصلی ببینیم تصمیم مورد نظر در هر کدام از سناریوها چگونه به نظر می‌رسد و چه آسیب‌پذیری‌هایی آشکار شده است. آیا تصمیم مورد نظر تنها در یک یا دو سناریو خوب به نظر می‌رسد یا در همه سناریوها می‌توان از آن دفاع کرد؟

گام هشتم: انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما

در این مرحله بسیار مهم است که بدانیم کدام سناریو در حال نزدیک‌تر شدن است. به عبارت بهتر، سناریوها طیفی از آینده‌های ممکن هستند که توسط مراحل از پیش گفته شده محدود شده‌اند و در این مرحله تشخیص سناریوی محتمل اهمیت دارد. در این قسمت برای انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما به باز تعریف مفهوم آمادگی نظام سیاسی و مدیریتی کشور در شرایط بحران می‌پردازیم.

شاخص‌های آمادگی نظام سیاسی و مدیریتی در شرایط بحران:

- تنظیم و تدوین یک برنامه جامع مدیریت آسیب‌های سیاسی،
- برآورد صحیح از ظرفیت‌های موجود و شناخت درست از محدودیت‌ها،
- ایجاد تشکیلات‌های مناسب سازمانی اعم از دولتی و غیر دولتی با رویکرد مدیریت سوانح طبیعی،
- انتخاب مرکز سیاسی یا پایتخت موقت به عنوان شهر معین در صورت تخریب تهران پس از زلزله،
- پیش‌بینی جایگزینی مقامات و مدیریت‌های مختلف در کشور در صورت صدمه‌دیدگی ناشی از زلزله،

- خروج از حالت تمرکزگرایی، تجمیع نهادها و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان در تهران و افزایش اختیارات به نهادهای مدنی و محلی،
- نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به صورت غیر متمرکز، دموکراتیک و مشارکتی و با افزایش اختیارات به نهادهای مدنی،
- استفاده صحیح از احساسات نועدوستی و خیرخواهانه ایرانیان با تقویت سازمان‌های مردمی و هدایت مردم به آن سمت،
- به‌دادن به تشکل‌های غیردولتی به دلیل داشتن توانایی بسیج سیاسی مردم برای مهار و کنترل بحران‌های سیاسی،
- مدیریت نمودن بحران‌های قومی با تقویت روحیه همگرایی، ملی‌گرایی از طریق جذب فعالان و نهادها قومیتی و استفاده از آنان در کاهش تنش‌های قومیتی،
- مدیریت کردن نظام اطلاع‌رسانی و رسانه با ایجاد یک مرکز اطلاع‌رسانی قوی در یکی از شهرهای امن مجاور تهران،
- داشتن یک برنامه جامع امنیتی برای مقابله با شرایط هرج و مرج و ناآرامی‌های پس از زلزله تهران و برقراری امنیت،
- آمادگی لازم برای مقابله با بحران اقتصادی پس از زلزله با داشتن برنامه برای راه‌اندازی سریع مراکز اقتصادی و بازار.

سناریوی مطلوب

سناریوی مطلوب موردنظر پژوهش حاضر سناریوی اول است.

زلزله پدیده‌ای است که ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی و حتی حقوقی آن بسیار پیچیده است. شاید بتوان ادعا کرد، یکی از بهترین معیارها برای سنجش میزان موفقیت هر دولتی در ایجاد یک سازمان اداری کارآمد، نحوه عملکرد آن‌ها در رویداد زلزله است. زلزله یک پدیده تام و فراگیر است و همه ارکان و اجزای حکومت و مردم و جامعه مدنی را به چالش و آزمون می‌کشد. با این ملاحظه باید گفت که زلزله علی‌رغم تأثیرآور بودنش، بهترین فرصت است برای سنجش و آزمون کارآمدی نظام اجتماعی و سیاسی کشور. لذا از آن‌جا که نمی‌توان از وقوع زلزله جلوگیری کرد اما می‌توان با انجام راهبردها و راهکارهایی منجر به کاهش خسارات و تلفات ناشی از وقوع سانحه شد. این امر به افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر سوانح منتهی می‌شود. اولین نکته‌ای که در این پژوهش از آن باید سخن گفت در خصوص نظام‌های سیاسی تمرکزگراست که در مقابل زلزله آسیب‌پذیرترند و احتمال بحران‌خیزی آسیب‌های آن‌ها بیشتر است. مهم‌ترین اقدامات برای کاهش خسارات استحکام سازه‌هاست. با وقوع زلزله دو بخش از اقدامات برای مقابله با آثار زلزله و کمک به آسیب دیدگان ظهور

می‌یابد بخشی از اقدامات در قالب دستگاه‌های اجرایی سازمان‌های امداد رسان داخلی و خارجی و مجاری رسمی اجرا می‌شود. بخشی دیگر از اقدامات در شکل کنش‌های داوطلبانه مردمی و نیز محلی عملی می‌شود. بررسی این دو جنبه عمده از مدیریت سوانح می‌تواند ما را به ظرفیت‌های موجود در امر مقابله با بلایا و حوادث آگاه سازد. در بررسی روند اقدامات جبرانی باید نقطه نظرات و راهکارهای پیشنهادی مردم را مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر باید پذیرفت آنان که در جریان چنین سوانحی بیشترین آسیب‌ها را متحمل شده‌اند، حق دارند که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ساختن آینده‌ای بهتر و مطمئن‌تر مشارکت نمایند. مدیریت فاجعه بر پایه جامعه محلی توسط نهاد بین‌المللی مدیریت ریسک فاجعه معرفی شده است.^۱ در این رهیافت مردم محلی که در معرض خطر بیشتری قرار دارند باید در برنامه‌ریزی تصمیم‌سازی و انجام فعالیت‌های مدیریت فاجعه مشارکت داده شوند. این برداشت به عنوان یک رهیافت در مدیریت فاجعه از اواسط دهه نود قرن بیستم از طرف سازمان‌های غیردولتی درگیر در فعالیت‌های انسان‌دوستانه، با استفاده از ابزار "برآورد ظرفیت و آسیب‌پذیری" به رسمیت شناخته شد. در توجیه این رهیافت گفته می‌شود که با مشارکت مردم محلی در پاسخدهی به فاجعه به ویژه در بخش‌های حاشیه‌ای جوامع آسیب‌دیده، آن‌ها در تعیین نیازهای اساسی خود توانمندتر می‌شوند. به این ترتیب اجتماعات و گروه‌های آسیب‌پذیر بازیگران اصلی مدیریت فاجعه تلقی می‌شوند. آنان حق دارند که در تصمیماتی که زندگی‌شان را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد مشارکت ورزند. یکی دیگر از دلایل ضرورت مشارکت مردم محلی عدم دقت در پیش‌بینی فاجعه است. پیشرفت دانش فنی و مزیت‌های علمی قادر است خطر فاجعه و برآورد میزان تخریبی را که ممکن است به یک شهر ناحیه و یا یک دهکده وارد کند برآورد کند، اما نمی‌تواند زمان دقیق حادثه را پیش‌بینی کند. بنابراین دانش تنها عنصری نیست که در مدیریت فاجعه به ما کمک می‌کند، بسیاری از مواقع ما با فجایع طبیعی مواجه می‌شویم که مردم نقش مهمی در مدیریت آن‌ها داشته‌اند و جامعه ساکن در محل حادثه در فعالیت امداد رسانی فاجعه درگیر می‌شوند. به طور کلی عناصر و عوامل اساسی که در مدیریت فاجعه مبتنی بر جوامع محلی و یا در رهیافت‌های تخفیف با ماهیت جامعه محور از اهمیت برخوردارند عبارتند از:

- مشارکت مردمی
- اولویت‌بخشی به آسیب‌پذیرترین گروه‌ها، خانواده‌ها و افراد اجتماعی
- ملاک‌های ویژه اجتماع

این امر از یک نظام سیاسی غیرمتمرکز به دلیل توزیع قدرت در نهادهای مدنی و حتی در سایر شهرها سبب می‌شود که آثار مخرب سیاسی وقوع زلزله کاهش یابد و مدیریت سیاسی ناشی از آن را تسهیل نماید. در این صورت با یک مدیریت صحیح می‌توان آسیب‌های سیاسی زلزله را از طریق شناخت درست حوزه‌های آسیب‌پذیر اعمال مدیریت نمود.

^۱. International Institution Disaster Risk Management

سناریوی محتمل

در زلزله پیش روی تهران با توجه به مطالعات صورت گرفته و سناریوهای مختلفی که در ارتباط با فعال شدن گسل‌های اصلی تهران تعریف گردیده، با در نظر گرفتن هریک از سناریوها خطرات متفاوتی هر یک از مناطق شهر را بر حسب شاخص‌های خسارات ناشی از زلزله تهدید می‌کند. وقوع زلزله در تهران بحران‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت. به جرأت می‌توان ادعا کرد، یکی از بهترین معیارها برای سنجش میزان موفقیت هر دولتی در ایجاد یک سازمان اداری کارآمد، نحوه عملکرد آن‌ها در رویداد زلزله است. این که پیش از وقوع هر زلزله‌ای تا چه حد تمهیدات لازم را برای تحمل حداقلی از خسارات و تلفات را اندیشیده‌اند؟ استحکام ساختمان‌ها به ویژه مراکز حساس اداری و درمانی و امنیتی، چقدر است؟ زیرساخت‌ها مثل آب، برق، راه، ارتباطات تا چه حد در برابر زلزله مقاوم هستند؟ آمادگی‌های منطقه‌ای و ارایه آموزش‌های مقابله با این حادثه تا چه حد وجود داشته است؟ سپس در مرحله وقوع زلزله، سرعت عمل و هماهنگی نیروها برای امداد و نجات افراد و سپس درمان و دفن کشته شدگان و اسکان موقت و تأمین امنیت آنان چگونه است؟ حجم امکانات و امداد و نجات متناسب با خرابی‌ها هست یا خیر؟ رفتار مردم در حمایت از زلزله‌زدگان چگونه است؟ خود زلزله‌زده‌ها چه رفتاری دارند؟ در روزهای بعد آواربرداری، بازسازی، تأمین احتیاجات و نیازها، آغاز بازسازی‌ها، ایجاد شغل، رسیدگی‌های حقوقی به مسائل کودکان و زنان باقیمانده، درمان مشکلات روحی و روانی آنان و در نهایت بازگرداندن منطقه اعم از شهر و روستا به شرایط عادی و احیای زندگی در منطقه چگونه است؟ ملاحظه می‌شود که چرا زلزله یک پدیده تام و فراگیر است و همه ارکان و اجزای حکومت و مردم و جامعه مدنی را به چالش و آزمون می‌کشد. با این ملاحظه باید گفت که زلزله علی‌رغم تأثیر آوار بودنش، بهترین فرصت است برای سنجش و آزمون کارآمدی نظام اجتماعی و سیاسی.

در کشور ما علی‌رغم وقوع زلزله‌های مهیب طی سال‌های اخیر و تجربه‌های فراوان مدیریت بحران باز هم شاهد تلفات و خسارات و سایر پیامدهای زیان‌بار سوانح و بلایا هستیم. در تمامی حوادث همیشه گفته می‌شود غافلگیر شدیم در حالی که مدیریت بحران از لحظه وقوع آن آغاز نمی‌شود، بلکه قسمت مهم و تأثیرگذار آن قبل از شرایط اضطراری آغاز می‌شود. در تهران علی‌رغم آن که تمامی یافته‌های علمی از قطعی بودن زلزله حکایت دارند ولی سیاست شهری نظام موجب افزایش ناپایداری شهر در برابر زلزله است، شاهد مثال آن دویست برجی است که طی سال‌های اخیر بر روی خط زلزله و گسل‌های شمال تهران ساخته شده است. لذا مدیریت شهری فاقد نگاه آینده‌نگرانه است. در این نگاه صرفاً به حل مشکلات عاجل و پیش رو بسنده می‌شود. جامعه نیز وضعیتی شبیه مدیریت دارد به گونه‌ای که ساکنین در برج‌ها به خطرات احتمالی ناشی از زلزله و امنیت محل سکونت خود بی‌توجه هستند و بدون دغدغه زندگی می‌کنند. در یک جامعه مردم‌سالار انسان‌ها از وضعیت انفعال بیرون می‌آیند و کنشگر، آینده‌نگر

برنامه‌ریز می‌شوند. بروز سوانح طبیعی در یک جامعه غیرمشارکتی نوعی بی‌توجهی به آینده و زندگی کردن در گذشته و حال است. هرچه جامعه‌ای مردم‌سالارتر باشد خود را برای مقابله با خطرات بیشتر آماده می‌کند. آن چه در جوامع زلزله‌زده رخ می‌دهد و آزار دهنده است درماندگی انسان و جامعه است این که جامعه‌ایی نتواند به صورت قدرت‌مندی در برابر زلزله ظاهر شود و همیشه ترس از این که دچار زلزله شویم و ناتوان از واکنش مؤثر باشیم، تمام وجودمان را فرا گرفته است. در کشور ما به دلیل نظام سیاسی متمرکز آسیب‌پذیری آن در برابر زلزله بیشتر است. زیرا وجود نهادهای سیاسی و نخبگان سیاسی، و تخریب و نابودی آن‌ها در اثر وقوع زلزله در تهران، نظام را دچار بحران سیاسی می‌نماید. این بحران که از آن قبلاً به بحران اقتدار و مشروعیت نظام یاد کردیم با زلزله و متعاقب آن اخلال در حوزه مدیریت سیاسی اتفاق خواهد افتاد. وجود نهادها و تشکل‌های سازمان یافته مردمی با منابع انسانی متنوعی که در اختیار دارند و قابلیت‌ها و تخصص‌های مختلف در تمامی بخش‌ها می‌تواند به فضای بحران زده پس از زلزله کمک نماید. آن چه که این افراد و گروه‌ها با خود دارند تنها اقلام امدادی مردمی نیست بلکه توانایی، تجربه، تخصصی که دارند می‌توانند به کمک آسیب‌دیدگان بشتابند.

بحران بعدی بحران نفوذ یا اطلاع رسانی است. زلزله تهران ممکن است مجموعه نظام اطلاع رسانی را تخریب کرده و با توجه به عدم برنامه‌ریزی قبلی برای مواجه شدن با این شرایط نظام سیاسی را دارای چالش جدی بنماید. در این شرایط نظام سیاسی نمی‌تواند از رسانه‌ها برای ارتباط با مردم استفاده کند و به همین دلیل نمی‌تواند نفوذ مؤثری در جامعه داشته باشد. با وقوع زلزله مراکز رسانه‌ای کشور به ویژه صدا و سیما تخریب شده که با این وسیله ساختار اطلاع رسانی ناکارآمد شده و پاسخگوی شرایط و نیازهای به وجود آمده پس از بحران نمی‌باشد. در چنین شرایطی جامعه به سمت رسانه‌های خارجی گرایش پیدا می‌کند و اطلاعات خود را از آن طریق به دست می‌آورند و آن رسانه‌ها نیز می‌توانند با نفوذ بر جامعه زمینه‌های آشوب و شورش را فراهم آورند. رسانه‌های نوشتاری دیگر همانند حضور در زلزله‌های گذشته، به دلیل آن که خدمات فوریتی و اسکان را به درستی درک نمی‌کنند ندانسته با مصاحبه‌ها و خبرهای‌شان موجبات نارضایتی و توقعات بی‌جا را فراهم می‌کنند. اگر نظام اجتماعی شهری که سیستم سیاسی در قالب آن فعالیت می‌کند، دارای ساختار قدرت‌مندی نباشد وقوع زلزله نظام سیاسی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

منابع

- افضلی، رسول. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی و مدیریت آسیب‌های سیاسی زلزله احتمالی. تهران: جلد اول. وزارت کشور.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران. تهران: تحلیل‌گفتمان. چاپ اول.
- رافائل، بوری. (۱۳۷۲). هنگامی که فاجعه رخ می‌دهد. ترجمه: محمدرضا، طالبی‌نژاد؛ و مهرداد، کلانتری. تهران: امیرکبیر. چاپ اول.

شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۷۱). بررسی آسیب‌پذیری شهر تهران در برابر زلزله (اجتماعی اقتصادی). موسسه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، تهران. پروژه تحقیقاتی.

شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی فاجعه.

شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۷۲). تجربه مدیریت فاجعه در کشورهای در حال توسعه. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

عنبری، موسی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی فاجعه؛ کندوکاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح در ایران. تهران: دانشگاه تهران.

عنبری، موسی. (۱۳۸۲). بررسی عملکرد اجتماع سازمانی امداد و نجات کشور در مدیریت فاجعه بم. چهار جلد گزارش،

موسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران وابسته به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.

عنبری، موسی. (۱۳۷۹). بررسی جامعه‌شناختی وضعیت آسیب‌دیدگان جنگ تحمیلی. جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران،

کارفرما شورای تحقیقات ملی کشور.

هریس، تام. (۱۳۸۲). زمین لرزه. ترجمه: سلیمان، فرهادیان. روزنامه شرق ۱۱ دیماه ۱۳۸۴.

Wood, R., wright, T. (2015). **Responding to catastrophe-repression dynamics, following rapid-onset natural disaster**. Journal of conflict resolution. Available at: <http://jcr.sagepub.com/content/early/2015/08/12/0022002715596366.abstract>.